

## ادراک احساسات تجربه‌شده روستاییان از فروش زمین به غریبه‌ها\*

مهرداد توکلی‌راد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

### چکیده

خرید زمین‌های مرغوب در نواحی روستایی شمال کشور و ساخت ویلاهای مجلل توسط ساکنان غیربومی در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. این ساخت‌وسازها در کنار حضور غریبه‌ها به‌عنوان ساکنان جدید در روستاها و زندگی آنان با بومیان، به تغییرات چشمگیری در سبک زندگی روستا منجر شده است. این تغییرات، پیامدها و آثار گوناگونی بر زندگی روستاییان داشته است؛ به‌طوری‌که آنان احساسات و ادراک متفاوت یا متضادی از تداوم حضور غریبه‌ها در روستاهای خویش تجربه می‌کنند. بر این اساس، این پژوهش با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی به‌دنبال درک احساس‌های مختلف در بین روستاییان از حضور غریبه‌ها در روستا است. این مطالعه از طریق مصاحبه با ۳۲ نفر از مشارکت‌کنندگان پژوهش که براساس دو نوع نمونه‌گیری در دسترس و نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع انتخاب شدند، به تجربه زیسته ساکنان هشت روستا از روستاهای تابعه شهرستان فومن در استان گیلان پرداخت تا از این طریق امکان تحلیل احساسات تجربه‌شده آنان در برابر غریبه‌های ساکن موقت یا دائم در روستا فراهم شود. نتایج یافته‌های این پژوهش نشان داد حضور غریبه‌ها در روستا سبب بروز احساسات ناخوشایند در بین روستاییان شده است؛ به‌گونه‌ای که حضور آنان در روستا موجب شده احساسات ناخوشایندی نظیر تضاد، تبعیض، خشم، حقارت، پشیمانی و نارضایتی در بین ساکنان روستایی ادراک شود. همچنین نتیجه این احساس‌های ناخوشایند، پیامدهایی نظیر دوگانه‌شدن الگوی زیست روستایی، نمایش‌های مالکانه غریبه‌ها، تشدید نابرابری‌های اجتماعی، فروپاشی اقتصاد رایج روستایی و افزایش میل به مهاجرت در جوانان را به‌دنبال داشته است. **واژه‌های کلیدی:** احساسات ناخوشایند، پدیدارشناسی، روستایی، غریبه‌ها، فومن.

\*مقاله علمی-پژوهشی، تألیف مستقل

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، [m\\_tavakolirad@pnu.ac.ir](mailto:m_tavakolirad@pnu.ac.ir)

# Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 13, No. 2, Autumn and Winter 2022

## Perception of the Experienced Feelings of the Villagers at the Sale of the Land to Strangers<sup>\*</sup>

Mehrdad Tavakolirad<sup>1</sup>

Received August 7, 2021

Accepted January 30, 2022

### Abstract

The purchase of high-value land in rural areas in the north of the country by non-native residents and the construction of luxury villas by them has increased sharply in recent years. These constructions, together with the presence of strangers as new residents in the villages and their coexistence with the locals, have led to significant changes in village lifestyles. These changes have different consequences and impacts on the lives of villagers, causing them to experience different or contradictory feelings and perceptions of the continued presence of strangers in their villages. Therefore, using this phenomenological approach, this study seeks to understand the different feelings of villagers towards the presence of strangers in the village. Through interviews with 32 research participants selected on the basis of two types of available samples and purposive samples with maximum diversity, this study addressed the lived experiences of villagers in eight villages in Fuman Town in Gilan Province by analyzing their experienced feelings towards strangers living temporarily or permanently in the village. The results of this study showed that the presence of strangers in the village caused unpleasant feelings among villagers, such as conflict, discrimination, anger, humiliation, regret, and dissatisfaction. The result of these unpleasant feelings are also consequences such as the duplication of the rural way of life, the ownership of the strangers, the aggravation of social inequalities, the collapse of the current rural economy, and the increase in the desire of young people to emigrate.

**Keywords:** Phenomenology, Strangers, Rural, Unpleasant Feelings, Fuman.

---

<sup>\*</sup> Scientific-Research Article, Independent writing

<sup>1</sup>. Assistant Professor of Sociology department, Payame Noor University, Tehran, Iran, m\_tavakolirad@pnu.ac.ir

### مقدمه و طرح مسئله

مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوان تولید مبتنی بر کشاورزی، سبب شده برخی از روستاییان برای فراهم کردن امنیت اقتصادی و اجتماعی به دنبال تغییر در شیوه‌های تولید خویش باشند؛ چرا که به باور آن‌ها کشاورزی دیگر توجیه اقتصادی ندارد (ری و گانیرود، ۲۰۱۱: ۱۲۷). فرایند تغییر اقتصاد کشاورزی به اقتصاد غیرکشاورزی یک نتیجه حتمی دارد و آن تغییر کاربری زمین است که این امر موجب تغییر در نوع استفاده و مدیریت زمین در روستا خواهد شد (بیوکت و استروسنیچیدر، ۲۰۰۳: ۸۸). تغییر کاربری زمین آثار متعددی در بطن جامعه روستایی خواهد داشت که یکی از این آثار، ترغیب روستاییان به فروش زمین به ساکنان غیرروستایی برای استفاده‌های غیرکشاورزی است که این امر در مالکیت اراضی روستایی چالش‌های اساسی در پی خواهد داشت. غریبه‌ها و شهرنشینان مشتاق به زندگی در روستا با پیشنهادهای اغواکننده به روستاییان در کنار تبلیغات مرموزانه سوداگران زمین، به راحتی مالک زمین‌های مستعد آنان می‌شوند و با احداث ویلاهای لوکس و مجلل یا به اصطلاح خانه دوم<sup>۱</sup> در بطن روستا، به شدت موجب تغییر کارکردها یا خلق پیامدهای متعدد در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سنتی و کالبدی آن می‌شوند (قدمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱). در واقع هجوم غریبه‌ها و شوق آن‌ها به ایجاد واحدهای مسکونی گران‌قیمت در اراضی روستایی، بر فرهنگ بی‌آلایش روستاییان و نیز ساختار سنتی روستا به شدت تأثیر می‌گذارد (ویلیمام و هال، ۲۰۰۰: ۲۳). همین امر سبب می‌شود تجربه زیسته متفاوتی از حضور آن‌ها در روستا و ادراک ساکنان محلی شکل گیرد.

در سال‌های اخیر، رشد قارچ‌گونه ویلاسازی‌ها در روستاها به خصوص در نواحی روستایی شمال ایران، به دلیل طبیعت و آب‌وهوای مطلوب این مناطق، موجی از حضور غریبه‌های متمول یا متعلق به متوسط شهری را از نقاط مختلف کشور به روستاهای این بخش از کشور کشانده و افزایش حضور آنان در برخی از موارد به علت وجود تعارض منافع بین آن‌ها موجب شکل‌گیری احساسات قابل تأملی به‌ویژه در بین روستاییان شده است. آنچه روشن است، ادراک غریبه‌ها از زندگی در روستا با ادراک ساکنان محلی کاملاً متفاوت است. غریبه‌ها روستا را محلی برای تفریح و گذاران فراغت می‌دانند، اما روستاییان آن را فضایی برای کار و تلاش می‌انگارند. از

<sup>۱</sup>. second-home

این رو غیربومی‌ها منافع روستایی را دنبال نمی‌کنند که همین امر موجب می‌شود گاهی فضای روستا به محیطی برای تقابل‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل شود. (مارسدن، ۱۹۹۹: ۵۰۸) به عبارت دیگر، افزایش حضور غریبه‌ها با مسلک شهرنشینی و رشد سکونت موقت و کوتاه‌مدت آن‌ها در روستا، ساختار زندگی جامعه روستایی را برهم زده است (ماتیسون و وال، ۱۹۸۲: ۲۹). روستاییان این سطح از تغییرات اجتماعی را به راحتی نمی‌پذیرند؛ بنابراین احساسات و ادراک متفاوتی از تداوم حضور غریبه‌ها در روستا را تجربه می‌کنند. بر این اساس، این مطالعه با انتخاب هشت روستا از روستاهای بکر و خوش‌آب‌وهوای شهرستان فومن در استان گیلان که طی پنج سال اخیر نسبت به سال‌های گذشته با رشد حدود چهل درصدی ویلاسازی مواجه بوده‌اند و بخش زیادی از ساخت‌وسازها توسط افراد غیربومی صورت گرفته است، به دنبال آن بود تا تجربه‌هایی را که ساکنان محلی از حضور غریبه ادراک می‌کنند، فهم کند. البته باید یادآور شد که صرفاً به غریبه‌ها زمین فروخته نمی‌شود، ولی در این روستاها به دلایل مختلف به خصوص طی پنج سال اخیر به طور متوسط سالانه بین ۲۵ تا ۳۰ پروانه ساخت صادر شد که بیش از ۸۰ درصد آن توسط غریبه‌ها بنا شد. از این رو پدیده ساخت ویلا توسط غریبه‌ها به شدت سیر صعودی پیدا کرده است. این امر با نگاهی سطحی به این روستاها و نیز مشاهده ویلاهای متعدد خالی از سکنه که فقط در ایام تعطیل و آخر هفته افرادی در آن ساکن هستند، کاملاً مشهود است. به طور کلی این پژوهش به دنبال آن است که دریابد روستاییان پدیده رشد ویلاسازی و حضور افراد غیربومی در روستا را چگونه تجربه می‌کنند، ساکنان محلی روستا، غریبه‌ها را چگونه توصیف می‌کنند، روستاییان چه احساسی به حضور غریبه‌ها در روستای خویش دارند و در نهایت پیامدها و آثار تجربه یا احساس‌های مختلف در بین روستاییان از حضور غریبه‌ها چیست.

### پیشینه تجربی

در دهه‌های اخیر حضور غیربومیان در روستاها و اقدام ایشان به ساخت‌وساز واحدهای تفریحی و مسکونی، موضوع مورد مطالعه پژوهشگران مختلفی بوده که از منظرهای گوناگون حقوقی، جغرافیایی، گردشگری، معماری، محیط زیستی بدان پرداخته‌اند. این دسته از مطالعات عمدتاً بر افزایش ویلاسازی، ساخت‌وسازهای مسکونی، میل زیاد به احداث خانه‌های دوم در روستا و

تغییر کاربری زمین تأکید داشته‌اند. پژوهشگران کمتر از منظر جامعه‌شناختی به حضور غریبه‌ها و آثار برجای‌مانده از آنان در روستا توجه کرده‌اند.

برای نمونه، آمار (۱۳۹۲) با انجام یک بررسی میدانی در روستاهای سیاهکل گیلان، دو عامل بنیادی کاهش جمعیت روستایی و به‌صرفه‌نبودن فعالیت‌های کشاورزی از جمله عوامل مؤثر در رشد چشمگیر ویلاسازی در روستاهای این منطقه بیان داشت. مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۷) و عنابستانی و صاحبکار (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که احداث ویلاها یا خانه دوم در روستاها تا حدودی موجب بروز انواع تغییرات در زندگی روستاییان شد. این تغییرات بسیار متنوع بود. براساس بررسی‌های علی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، این تغییرات در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بود. گلین‌مقدم (۱۳۸۸) و قماش‌پسند و همکاران (۱۳۹۶) اظهار کردند که از جمله تغییرات محسوس چنین ساخت‌وسازهای بی‌رویه در روستا آن است که بافت سنتی آن را برهم می‌زند و کارکرد کشاورزی روستاها را به کارکرد تفریحی- فراغتی تغییر می‌دهد.

بسیاری از پژوهشگران احداث ویلاهای متعدد در روستا توسط غیربومیان را دارای پیامدهای مثبت و منفی بر زندگی روستایی دانسته‌اند. در این رابطه، اشتری مهرجردی و همکاران (۱۳۹۵) با نگاه جامعه‌شناختی به ساخت‌وساز و ویلاها در روستاهای شهرستان فراهان تأکید کردند که در برخی روستاها ایجاد خانه‌های دوم موجب بروز تشنج و اختلاف میان ساکنان شده و در برخی روستاهای دیگر، اثرات اجتماعی و فرهنگی مثبتی مانند ایجاد اتحاد و همدلی و جلب مشارکت آنان را در توسعه روستا به‌همراه داشته است. مطابق پژوهش حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، در بعد اجتماعی حضور غیربومیان و احداث ویلا توسط ایشان در روستاها ابعاد مثبتی نظیر افزایش امنیت اجتماعی و کاهش مهاجرت‌های ساکنان روستا و ابعاد منفی مانند افزایش نفوذ سبک زندگی شهری، نابودی آداب‌ورسوم و گسست اجتماعی را در بین ساکنان روستا به‌وجود آورده است. تأکید بیشتر پژوهشگران بر آثار اجتماعی رشد ویلاسازی در روستا، تأثیرگذارتر بودن تبعات منفی آن در حیات جامعه روستایی بود. طبق بررسی‌های میرکتولی و همکاران (۱۳۹۴)، تداوم این ویلاسازی‌ها در بعد اجتماعی، افزایش مصرف و تعارضات فرهنگی روستاییان با مهاجران را به‌همراه داشته است. همچنین خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۱) با انجام یک مطالعه جامعه‌شناختی و مقایسه‌ای بر دو روستای «سپاورز» و «لیره سر» شهرستان تنکابن، به این

نتیجه دست یافتند که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نظیر مشارکت اجتماعی رسمی، اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی در روستای سیاورز که خانه‌های دوم دارد از روستای لیره سر که خانه دوم ندارد، به‌طور معناداری کمتر است.

در برخی از مطالعات خارجی هم کم‌وبیش می‌توان ایده‌های خوبی برای پیشبرد اهداف این مطالعه اقتباس کرد؛ برای نمونه، براساس یافته‌های لانگ و لی (۲۰۰۲) تغییر کاربری اراضی در روستاها آثار گوناگون طبیعی، محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی متعددی در روستا بر جای گذاشته است. این امر به‌روشنی موجب حضور ساکنان غیربومی ثروتمند در روستا شده است. بررسی‌های ویپسلانین و پیتکانین (۲۰۱۰) نشان داد این افراد حیات طبیعی و سنتی روستا را به‌شدت تهدید می‌کنند و روستا را از مکانی برای کشاورزی به مکانی برای تفریح تبدیل کرده‌اند. همچنین به روایت ری (۲۰۱۱)، ورود تازه‌واردان شهری به روستا، ذهنیت روستاییان را دگرگون کرده است و اغلب مردم محلی، تداوم حضور ساکنان غیربومی را چالشی برای سنت‌های زندگی روستایی خویش می‌دانند. این چالش طبق مطالعات کندو و همکاران (۲۰۱۳) و فارستاد و فردریک (۲۰۱۳)، تنش و درگیری در روستا را بین آن‌ها قوام بخشیده و برحسب یافته‌های مک گی و همکاران (۲۰۰۴)، موجب افزایش گرایش منفی به حضور غیرروستاییان در روستا شده است. بنا بر تحقیقات هال (۲۰۰۵)، علت شکل‌گیری این گرایش منفی، علاقه‌نداشتن یا احساس مسئولیت صاحبان خانه دوم به منافع روستاییان و تفاوت جهت‌گیری‌های ارزشی بین آن‌ها و ساکنان محلی است. در این راستا، تحقیقات هوگیندورن و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد احداث خانه‌های دوم (ویلاسازی) در روستاها موجب تفاوت سبک زندگی در روستا شده است. براساس نتایج تحقیق میدانی، با رشد چنین بناهایی در روستاها دیگر اهالی روستا دیگر مانند گذشته همدیگر را نمی‌شناسند و پدیده اجتماع روستایی در حال ازبین‌رفتن است. مطابق جمع‌بندی ادبیات پژوهشی داخلی و خارجی، می‌توان گفت پژوهشگران به دو دسته مؤلفه‌های ایجادکننده و آثار به‌وقوع پیوسته حاصل از ساخت‌وسازهای روستایی تأکید داشتند که در جدول ۱ ابعاد مختلف آن به اختصار آمده است.

جدول ۱. ایده‌های برگرفته از مطالعات داخلی و خارجی

مؤلفه‌های ایجادکننده	<ul style="list-style-type: none"> <li>• کاهش جمعیت روستایی</li> <li>• به‌صرفه‌نبودن فعالیت‌های کشاورزی</li> <li>• تغییرات اجتماعی حاصل از مدرنیته</li> <li>• دورشدن از چالش‌های پیش‌روی زندگی شهری</li> </ul>
آثار به‌وقوع‌پیوسته	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تغییر سبک زندگی روستایی</li> <li>• دگرگونی کارکردی روستاها</li> <li>• تغییر ماهیت روستا از محلی برای فعالیت کشاورزی به محلی برای تفریح</li> <li>• ایجاد فضای متناقض تنش و همدلی بین ساکنان</li> <li>• شکل‌گیری تعارض منافع میان بومیان و غیربومیان</li> <li>• افزایش مهاجرت روستاییان به شهر</li> <li>• کاهش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی</li> <li>• ازبین‌رفتن پدیده اجتماع روستایی</li> </ul>

زمینه نظری

در مطالعاتی که از روش پدیدارشناسی بهره گرفته می‌شود، عمدتاً محققان از چارچوب نظری خاصی استفاده نمی‌کنند، اما بدون شک مرور دیدگاه‌های نظری مرتبط با اهداف تحقیق می‌تواند در عمق‌بخشی به یافته‌های پژوهش مؤثر باشد. این پژوهش به لحاظ نظری، در قالب رویکردهای نزدیک به جامعه‌شناسی احساسات است. برخی از نظریه‌های رایج در این حوزه که در فرایند تحقیق احتمالاً راهگشا خواهند بود، عبارت‌اند از:

۱. **نظریه ساختاری-ارتباطی تئودور کمپر<sup>۱</sup>**: وی بنیادی‌ترین عامل را در شکل‌گیری احساسات، ساختار اجتماعی و پیامدهای روابط اجتماعی بر احساسات بیان می‌دارد. بنا بر نظر او، اساسی‌ترین ابعاد ساختاری روابط بین افراد، قدرت و منزلت است که به نوبه خود به تجربه احساسات متفاوتی بین افراد منجر می‌شود (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۴۳).

<sup>۱</sup>. Kemper

۲. **نظریه انرژی احساسی رندال کالینز:** انرژی احساسی در نظریه کالینز به سطح بادوامی از اشتیاق، قدرت شخصی، معنایی از پیوستگی اجتماعی یا تمایل به درگیر شدن در کنش متقابل اجتماعی گفته می‌شود. این انرژی و نحوه توزیع آن، عاملی برای تغییر یا خلق هویت جمعی است که کاربردهای متعددی نظیر گفت‌وگو و قشربندی اجتماعی در سطح جامعه دارد. وی کشمکش در گروه‌های رقیب و نوسانات در انرژی احساسی را مسبب برانگیختگی یا شکل‌دهی احساسات می‌داند (کیانپور و آقابابایی، ۱۳۹۶: ۶۲).

۳. **نظریه نقش‌پذیری و کنترل اجتماعی سوزان شات:**<sup>۱</sup> او معتقد است عوامل فیزولوژیکی برای درک احساسات ضروری است، ولی آنچه موجب تجربه یا درک عمیق احساس می‌شود، تفسیر کنشگران است (شات، ۱۹۷۹: ۱۳۲۴). براساس دیدگاه شات، برای تجربه احساس کنشگران، احساسات نقش‌پذیری که برای قسمت عمده‌ای از کنترل اجتماعی که همان کنترل خود است، اهمیت دارد. بسیاری از احساسات انسانی نمی‌توانند بدون قرار گرفتن فرد در موقعیت اجتماعی و اخذ رویکرد خاص در مقابل دیگری تجربه شوند (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۹).

۴. **نظریه کنترل تأثیر دیوید همیس:** براساس نظر وی، افراد با تأثیرپذیری یا به‌طور احساسی به هر واقعه اجتماعی واکنش نشان می‌دهند و آن را به شکلی انجام می‌دهند که با احساسات بنیادی و تأثیرات زودگذر مطابقت دارد. درواقع تأثیرات موقعیتی و عدم هماهنگی بین احساسات بنیادین که ریشه در هنجارهای فرهنگی دارد، احساسات را برمی‌انگیزاند و موجب واکنش عاطفی آن‌ها می‌شود. (ترنر و جان، ۲۰۰۵: ۸۲-۹۶)

۵. **نظریه تلفیقی جان‌اتان ترنر:**<sup>۲</sup> در مدل وی در تبیین احساسات، به برانگیختگی احساسی توجه می‌شود. ترنر تأکید دارد احساسات از طریق میزان یا شدت همخوانی یا ناهمخوانی بین چیزی که فرد انتظار دارد و چیزی که فرد تجربه می‌کند، برانگیخته می‌شوند. بر این اساس، وقتی میزان ناهمخوانی بالا باشد، برانگیختگی احساسی با شدت بیشتری رخ می‌دهد (ترنر، ۱۹۹۹: ۱۳۵-۱۳۶).

1. Shott

2. Turner



نظریه‌های مطرح‌شده تا حدودی بسترهای لازم را برای حصول به یک زمینه نظری در فرایند تحقیق، برای محقق فراهم می‌آورد. این نظریه‌ها به‌طورکلی به دو بعد اساسی احساسات شکل‌گرفته در بطن جامعه اشاره دارند که یکی دلایل ترغیب‌کننده و دیگری اشکال متفاوت بروز احساسات است. تجربه حضور غریبه‌ها در روستا و واکنشی که روستاییان در تعامل با آن‌ها خواهند داشت، با توجه به ساختار و موقعیت اجتماعی آنان و نیز میزان پیوستگی و همخوانی یا عدم‌همخوانی رفتارهای غریبه‌ها با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی روستاییان می‌تواند مجموعه‌ای از احساسات ناخوشایند یا خوشایند را در آن‌ها برانگیزد. این احساسات برانگیخته‌شده که ناشی از تجربه‌های تازه و تغییرات صورت‌گرفته در روستاها است، اشکال مختلفی دارد؛ به‌طوری‌که از سویی می‌تواند با تسلط رفتارهای سازنده و مثبت احساس همدلی، مشارکت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را در آنان قوام بخشد و از سوی دیگر، با شکل‌یافتن احساسات غیرسازنده تجربه روابط مبتنی بر تضاد، نامنی، تنش، تناقض و... بین آن‌ها بر آن‌ها تفوق یابد.

### روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از نوع کیفی است که با رویکرد پدیدارشناسی صورت گرفته است. پدیدارشناسی امکان دسترسی تجارب یا ادراک افراد از پدیده مورد مطالعه را فراهم می‌آورد؛ به‌طوری‌که با استفاده از این رویکرد معانی ذهنی و دیدگاه‌هایی که افراد در مورد تجربه‌هایشان نسبت به پدیده مورد مطالعه ابراز می‌دارند، می‌توان کشف کرد (گال و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۲).

بر این اساس از آنجا که درک احساس بین بومیان و غریبه‌های ساکن در روستا هدف اصلی این پژوهش است، لزوم استفاده از این روش برای فهم مطلوب تجربه احساسات بین آن‌ها مؤثرتر خواهد بود.

در این پژوهش با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری<sup>۱</sup>، تجربه حضور غریبه‌ها در روستا، در بافت خاص معنایی خود تحلیل و بررسی و از تفسیر مشارکت‌کنندگان در مواجهه با این پدیده استفاده شد. به عبارت دیگر، بهره‌گیری از پدیدارشناسی تفسیری محقق را از دام توصیف صرف یا تفسیر یک‌جانبه‌رهای می‌بخشد و برای درک بهتر پدیده و تفسیر آن تعامل

<sup>۱</sup>. interpretive phenomenology

دوجانبه‌ای بین او و مشارکت‌کننده فراهم می‌آورد (وجنار و سوان سون، ۲۰۰۷: ۱۷۵). استفاده از این شیوه تحلیل، این مزیت را دارد که مشارکت‌کنندگان تحقیق به‌مثابه مفسران پدیده مورد مطالعه در نظر گرفته می‌شوند. این امر در نهایت موجب خواهد شد که پژوهشگر با تلفیق دیدگاه آنان با برداشت‌های خویش، تحلیل پویایی از یافته‌های تحقیق ارائه کند. برای اجرای این رویکرد تحلیلی، تک‌تک مصاحبه‌ها بلافاصله تحلیل تفسیری شدند؛ بدین صورت که با خلق مضامین، ابتدا با نظم‌دهی و کم‌کردن تفاوت‌های موجود در آن‌ها، الگوی ارتباطی بین آن‌ها ترسیم شد و سپس مضامین فرعی، اصلی و نیز پدیده نهایی حاصل از تجربه احساسات بومیان از حضور غریبه‌ها استخراج شد. کشف پدیده اصلی و ارتباط مضامین اصلی و فرعی با آن موجب شد پژوهشگر بتواند سنخ‌شناسی احساسات ناخوشایند بین بومیان و غریبه‌های ساکن در روستا و نیز پیامدهای مرتبط با آن را ارائه کند. شایان ذکر است که جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه، با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته و سؤالات باز صورت گرفت که امکان گفت‌وگوی عمیق بین محقق و مشارکت‌کنندگان را فراهم آورد. تعداد مصاحبه‌های انجام شده و نیز وضعیت کلی مشارکت‌کنندگان تحقیق در جدول‌های ۲ و ۳ بیان شده است.

میدان مطالعه در این تحقیق شامل هشت روستا از روستاهای تابعه شهرستان فومن در استان گیلان بود که در جدول ۲ آمده است. به دلیل دریافت درک تجربه زیسته بومیان با غریبه‌ها، در انتخاب روستاها دو عامل مواجه بودن با پدیده مورد مطالعه و عمومیت یافتن آن در جامعه روستایی مورد توجه واقع شد. به عبارت دیگر، دلیل انتخاب این روستاها، تعدد حضور غریبه‌ها و کثرت ویلاسازی توسط آنان و نیز میل بسیاری از بومیان به فروش زمین به غیربومیان در پنج سال اخیر بود. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، به‌طورکلی در روستاهای مورد تحقیق، در پنج سال اخیر نسبت به سال‌های گذشته شاهد رشد متوسط حدود چهل درصدی ساخت‌وسازهای روستایی بوده‌ایم که بنا به اظهار مشارکت‌کنندگان این تحقیق ۸۰ درصد آنان در سال‌های پس از ۱۳۹۵ توسط غیربومیان احداث شده است.

جدول ۲. فراوانی ویلاهای ساخته‌شده در روستاها و نحوه توزیع مشارکت‌کنندگان مورد مطالعه

نام روستا	متوسط پروانه‌های ساخت صادرشده سالانه از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ در طول یک سال (به عدد)	تعداد مصاحبه شونده‌گان (به نفر)
فوشه	۱۶	۴
سیدآباد	۱۴	۴
آبرود	۱۵	۴
کردمحل	۱۵	۵
حیدرآلات	۱۴	۴
زیده بالا	۲۰	۵
کلرم	۱۵	۴
تیمورکوه	۱۰	۲

مشارکت‌کنندگان این مطالعه به دو طریق نمونه‌گیری دردسترس یا آسان و نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند؛ بدین صورت که با استفاده از نمونه‌گیری دردسترس یا آسان، افرادی در تحقیق مشارکت کردند که به‌طور اتفاقی در دسترس بودند و درباره پدیده مورد نظر اطلاعات لازم را داشتند. همچنین با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، زمینه مطالعه افرادی که تجارب نابی از پدیده مورد مطالعه داشتند، فراهم شد. فرایند نمونه‌گیری هنگامی متوقف شد که در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد اشباع داده‌ها صورت گرفته است و دیگر امکان درک تجربه‌های جدید و متفاوت وجود ندارد.

به‌طورکلی در این پژوهش تلاش شد که مشارکت‌کنندگان از تنوع مختلف جنسیتی، تحصیلی و سنی برخوردار باشند تا زمینه درک تجارب و ادراکات متفاوت آنان درباره موضوع مطالعه به راحتی فراهم شود. در این پژوهش ۳۲ مصاحبه انجام شد که ۱۸ نفر آن مرد و ۱۴ نفر زن بودند. به‌جز ۴ نفر که بی‌سواد بودند، بقیه سواد داشتند و از میان آن‌ها ۱۵ نفر دارای تحصیلات کاردانی و بالاتر بودند. همچنین ۱۸ نفر زیر ۳۵ سال سن داشتند.

جدول ۳. وضعیت کلی مشارکت کنندگان تحقیق

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	کد	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل
۱	مرد	۲۳	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	۱۷	مرد	۶۰	دیپلم	کارمند
۲	مرد	۵۹	راهنمایی	کارگر	۱۸	زن	۷۲	ابتدایی	خانه‌دار
۳	مرد	۵۵	دیپلم	کشاورز	۱۹	زن	۲۲	دانشجوی کارشناسی	دانشجو
۴	زن	۲۷	کارشناسی	معلم	۲۰	مرد	۶۳	بی سواد	کشاورز
۵	مرد	۲۳	کاردانی	کشاورز	۲۱	زن	۲۹	کارشناسی ارشد	کارمند
۶	مرد	۲۷	کارشناسی	مغازه‌دار	۲۲	مرد	۲۱	دانشجوی کارشناسی	دانشجو
۷	زن	۵۰	راهنمایی	خانه‌دار	۲۳	زن	۶۴	ابتدایی	خانه‌دار
۸	مرد	۲۸	کارشناسی ارشد	معلم	۲۴	مرد	۲۴	کارشناسی	مغازه‌دار
۹	زن	۵۲	راهنمایی	خانه‌دار	۲۵	مرد	۶۲	ابتدایی	کشاورز
۱۰	مرد	۲۱	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	۲۶	مرد	۵۷	دیپلم	کارگر
۱۱	زن	۲۶	دیپلم	کارمند	۲۷	زن	۶۵	بی سواد	خانه‌دار
۱۲	مرد	۳۰	کاردانی	معلم	۲۸	زن	۲۰	دانشجوی کارشناسی	دانشجو
۱۳	زن	۲۶	کارشناسی	خانه‌دار	۲۹	مرد	۲۴	دیپلم	بیکار
۱۴	مرد	۵۷	راهنمایی	کشاورز	۳۰	زن	۵۹	بی سواد	خانه‌دار
۱۵	زن	۲۷	کارشناسی	مغازه‌دار	۳۱	زن	۲۵	کاردانی	بیکار
۱۶	مرد	۳۱	دیپلم	کارمند	۳۲	مرد	۵۸	بی سواد	کشاورز

ارزیابی کیفیت تحقیق در پژوهش‌های کیفی بسیار دشوار است. با این اوصاف در این مطالعه سعی شد کیفیت مناسب تحقیق از طریق دو فرایند «اعتبارپذیری» و «اعتمادبخشی» حاصل شود. درواقع از طریق بازبینی مداوم داده‌ها و رفت‌وبرگشت‌های همیشگی بین تحلیل و جمع‌آوری

اطلاعات به دست آمده و نیز خودارزیابی از تجربیات حاصل شده سعی شد که اعتبارپذیری آن‌ها فراهم شود. همچنین به اعتمادبخشی داده‌ها از دو طریق توجه شد: (۱) استفاده از روایی تفسیری یعنی توجه به انعکاس تجارب و دیدگاه‌های افراد مورد مطالعه در ساخت مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی؛ (۲) بهره‌گیری از بررسی‌کننده‌های مطلع در مورد نتایج تحقیق که در زمینه پژوهش آشنایی‌های لازم را داشته‌اند و ایجاد همسانی بین تفاسیر و دیدگاه‌های آنان با یافته‌های پژوهشگران.

### یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد پدیده اساسی تجربه‌شده از تعامل اجتماعی با غریبه‌ها در بین روستاییان، وجود احساسات ناخوشایند در بین آن‌ها است که در قالب دو مضمون می‌توان از هم جدا کرد: الف) انواع احساسات ناخوشایند؛ ب) پیامدهای احساسات ناخوشایند در بین روستاییان.

جدول ۴. مضامین اصلی و فرعی پدیده احساسات ناخوشایند در بین روستاییان از حضور غریبه‌ها

پدیده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
احساسات ناخوشایند	انواع احساسات ناخوشایند	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تضاد</li> <li>• تبعیض</li> <li>• خشم</li> <li>• حقارت</li> <li>• پشیمانی</li> <li>• نارضایتی</li> </ul>
	پیامدهای احساسات ناخوشایند	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دوگانه شدن الگوی زیست روستایی</li> <li>• تنش زاشدن زندگی روستایی</li> <li>• نمایش‌های مالکانه غریبه‌ها</li> <li>• تشدید نابرابری‌های اجتماعی</li> <li>• فروپاشی اقتصاد رایج روستایی</li> <li>• افزایش میل به مهاجرت در جوانان</li> </ul>

<sup>1</sup>. interpretive validity

### الف) انواع احساسات ناخوشایند

**احساس تضاد:** حضور غریبه‌ها در روستا عادت‌واره‌های زندگی روستایی را دگرگون می‌سازد و توأمان دو شکل از زندگی در روستا شامل زندگی مصرفی و زندگی تولیدی را در برابر هم قرار می‌دهد. این دو نوع زندگی به‌سادگی در روستا سازش و هم‌زیستی ایجاد نمی‌کند و می‌تواند ایجادکننده تعارض و تضاد باشد. روستا محل کوشش و تولید برای روستاییان و برای غریبه‌ها محل فراغت، آرامش و خوش‌گذرانی است. تن‌آسایی و سبک زندگی متفاوت غریبه‌های ساکن در روستا، با روستاییانی که تلاش و کوشش را لازمه زندگی روستایی می‌دانند، در بین بومیان ساکن در روستا احساس تضاد به‌وجود می‌آورد. جمله‌ای که منعکس‌کننده بخشی از این احساس در بین روستاییان است: «اونا راحت دارن اینجا زندگی می‌کنن، ما هر روز وضعمون بدتر از گذشته می‌شه (۲۷). تو روستا ما هیچ‌وقت رنگ خوش زندگی رو ندیدیم، ولی اینا (غریبه‌ها) راحت دارن اینجا خوش‌گذرانی‌هاشونو می‌کنن (۳۲)».

**احساس تبعیض:** از شایع‌ترین احساساتی که روستاییان در برابر غریبه‌ها دارند، احساس تبعیض است. در حقیقت عواملی نظیر نفوذ و قدرت بالای غریبه‌ها در روستاها، اجازه ساخت‌وسازهای غیرمعارف، تغییر کاربری‌های غیرمجاز، فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای زمین‌هایی که غیربومیان خریداری کرده‌اند، ایجادکننده یا تشدیدکننده این احساس در بین روستاییان است. این عامل به‌شدت موجب ایجاد فاصله بین غریبه‌ها و ساکنان محلی شده است. اظهارت زیر بخشی از این نوع احساس را در بین روستاییان بازگو می‌کند:

«تهرونی‌ها می‌تونن اینجا ویلا بسازن، ولی من نمی‌تونم برای پسریم یه آلونک کوچیک بسازم (۳)؛ چون اینا پول دارن، همه تحویلشون می‌گیرن (۲۱)».

**احساس خشم:** هرچقدر فاصله بین روستاییان و غریبه‌ها عمیق‌تر شود، احتمال بروز خشم و نزاع در بین آن‌ها بیشتر خواهد بود. افراد در بستر اجتماعی خشم خود را به صورت متفاوتی احساس یا بیان می‌کنند. بر این اساس می‌توان افراد را به دو گروه تقسیم کرد: ۱. گروهی که بر خشم خود خود مسلط می‌شوند؛ ۲. گروهی که خشم خود را بروز می‌دهند. (اصغری‌مقدم و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۲) روستاییان عمدتاً خشم خود را که به نزاع و درگیری منجر می‌شود ابراز می‌دارند. جملات یکی از روستاییان نشان‌دهنده این حس در بین آن‌ها است: «من با این

کارهایی که او‌نا می‌کنن، بدجوری ازشون متنفرم (۲۶). به خدا اگر دست خودم بود، نمی‌ذاشتم که سر به بدن او‌نا باشه (۱۲) رفتارهای او‌نا داره اعصاب و روان ما رو به هم می‌ریزه (۴)».

**احساس حقارت:** روستاییان در تعامل با غریبه‌ها به‌وفور بی‌احترامی و کوچک‌شمردن توسط آنان را تجربه کرده‌اند که این امر موجب تقویت احساس حقارت در آنان شده است. این حس نقشی مخرب و ویرانگر دارد؛ به‌طوری‌که سبب ایجاد رفتارهای نامطلوب و غیرعادی از قبیل خودنمایی، برتری‌طلبی، تخریب دیگران و ترور شخصیت از سوی غریبه‌ها بر ساکنان محلی می‌شود. از دلایل شکل‌گیری این حس در بین روستاییان، فقر و تنگدستی و سبک زندگی ساده و بی‌آلایش روستاییان و احساس ارباب‌منشی و تفوق‌طلبی در بین غریبه‌ها است. صحبت‌های یکی از مصاحبه‌شوندگان تأییدکننده این مسئله است: «بعضی‌هاشون ما رو برده خودشون می‌دونن (۵). زمین‌های ما رو مفت می‌خرند و ویلای آن‌چنانی می‌سازند و بعد به‌عنوان سرایدار از ما برده‌کشی می‌کنن (۱۳). این به‌اصطلاح متمدن‌ها واقعاً ما رو دهاتی و عقب‌مونده می‌دونن (۱۹)».

**احساس پشیمانی:** تصمیم به فروش زمین برای یک روستایی، تصمیم سختی است؛ چرا که زمین مهم‌ترین سرمایه و آبروی وی است. او زمانی تصمیم به فروش این سرمایه‌گران‌قدر خود می‌گیرد که دیگر منبعی برای تأمین معیشت خود نداشته باشد. آن دسته از روستاییان که به‌دلایل مختلف نظیر ادعای قرض و بدهکاری، تأمین هزینه ازدواج و جهیزیه فرزندان، خرج هزینه‌های درمان و... ناچار به فروش زمین خود می‌شوند، بیش از همه احساس پشیمانی در آن‌ها تفوق پیدا می‌کند. البته با افزایش دلالتی زمین و فروش ویلا و همچنین افزایش قیمت زمین در روستا، دامنه احساس پشیمانی در بین روستاییانی که زمین خود را در گذشته با قیمت‌های پایین‌تری فروخته‌اند، بیشتر است. این دسته افراد به‌شدت احساس شکست می‌کنند و فروش زمین نتیجه‌ای غیر از ناکامی برای آن‌ها دربر ندارد؛ بنابراین همواره خود را سرزنش می‌کنند و اعتمادبه‌نفس خویش را از دست می‌دهند. صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان در این راستا این مسئله را نشان می‌دهد: «بدبختی و مریضیم باعث شد که من مفت زمین خودمو بفروشم و حالا باید ببینم که زمین گرون شده و سودش رو داره تهرانی می‌بره (۲۰). من اگر احتیاج نداشتم هرگز زمین خودمو ارزون آتیش نمی‌زدم (۲۶)».

**احساس نارضایتی:** مشکلات جامعه روستایی، به‌صرفه‌نبودن اقتصاد روستایی از یک سو و قدرت‌نمایی غریبه‌ها در موطن روستاییان از سوی دیگر، موجب ایجاد نارضایتی شدید در

روستاییان می‌شود. این احساس زمانی شعله‌ورتر می‌شود که آنان کیفیت زندگی خود را با غریبه‌های ساکن در روستا مقایسه می‌کنند. فاصله طبقاتی زیاد زندگی غریبه‌ها از زندگی سخت و پرنج روستایی، در روستاییان افکار و ذهنیت‌های منفی و نیز احساس ناخوشایند نارضایتی ایجاد خواهد کرد. این احساس نارضایتی سبب می‌شود که روستایی انگیزه زندگی پویا در روستا را از دست بدهد. شاید دیگر باید پذیرفت که نارضایتی از زندگی در روستا، کم‌کم به بحرانی تبدیل شده که اجازه لذت‌بردن از زندگی یا ماندن و کارکردن در روستا را از روستاییان ربوده است. صحبت‌های زیر از سوی مشارکت‌کنندگان این مطالعه تا حدودی بیان‌کننده این احساس در آن‌ها است: «واقعاً با این اوضاع در روستا انگیزه‌ای برای کار و زندگی نداریم (۱۷). این جور زندگی تو روستا از هزار جور مرگ هم بدتره (۱)».

#### ب) پیامدهای احساسات ناخوشایند

دوگانه‌شدن الگوی زیستی روستایی: آنچه کاملاً مشهود است، در روستا با حضور غریبه‌ها و ساکنان محلی دو الگوی زیستی متفاوت حاکم شده است. این دوگونه‌زیستی در بسیاری از موارد در تضاد بنیادین از هم قرار دارند. غریبه‌ها روستا را مکانی برای رفع نیازهای تفریحی و فراغتی و نیز مأمنی برای لذت‌جویی می‌دانند. (اوروگ و برگ، ۲۰۱۱: ۴۱۹). از طرفی هم بومیان روستا را محلی برای کار، معیشت و کشاورزی می‌دانند که باید خدمات و امکانات آن بیشتر شود. رشد بی‌رویه و تعدد ویلاسازی غیربومیان در روستا موجب تغییر کارکردها و ماهیت‌های سنتی روستا شده است. این امر به‌روشنی اقتصاد روستایی را از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به اقتصاد گردشگری تغییر داده و ماهیت زندگی روستایی از اجتماع کار محور به اجتماعی مبتنی بر تفریح تبدیل تغییر کرده است. (شارپلی، ۲۰۱۲: ۴۷) به عبارت دیگر، زیست دوگانه در روستا دو نوع سبک زندگی در روستا ایجاد کرده است که یکی مبتنی بر مصرف، تن‌آسایی، تجمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی و دیگری بر پایه تولید، تلاش، ساده‌زیستی و فقر است. سازگاری و پذیرش بین این دو سبک زندگی متفاوت به سادگی امکان‌پذیر نیست. محور اساسی فرهنگ روستایی، حفظ اصالت و هویت روستا است که ساکنان محلی آن پیوسته خود را به آن متعهد می‌دانند، اما در این میان غریبه‌ها با بی‌توجهی به هویت جامعه روستایی با تغییر شکل دادن نحوه



زندگی در روستا، ساختار فرهنگی و اقتصادی روستا را برهم می‌زنند و با یورش به سبک زندگی روستایی، تنش‌های زیادی در ماهیت روستا ایجاد می‌کنند.

**نمایش‌های مالکانه غریبه‌ها:** غریبه‌ها با نمایش مقتدرانه مالکانه خویش بر زمین‌های روستایی و بروز رفتارهای مصرفی بی‌حد و اندازه، شکلی از فرهنگ پول‌داری را در روستا نضج می‌دهند که به‌نوعی، بازآفرینی نظام ارباب‌رعیتی در روستا است. بسیاری از زمین‌هایی که به شکل مشاعی یا عمومی در بین اهالی روستا به طرق مختلف استفاده می‌شد، اکنون با تفکیک و تغییر کاربری، مالکان جدیدی پیدا کرده است. این مالکان نمایش جدیدی از قدرت‌های مالکانه بروز می‌دهند. بعضی از آنان با ساختن خانه‌های شیک و گران‌قیمت و نیز حضور گاه‌وبیگاه در این خانه‌ها با ماشین‌های لوکس و ظاهرهای خاص، توانگری‌های اقتصادی خویش را برای روستاییان به نمایش درمی‌آورند. روستاییان نیز با مشاهده این صحنه‌های آزاردهنده از نابرابری توزیع ثروت در جامعه دچار حسرت و درماندگی می‌شوند. صحبت‌های زیر تا حدودی بیانگر این ادعا است: «اینا وقتی که به روستای ما میان، ما رو به چشم رعیت و گدا گشنه نگاه می‌کنند (۱۷). همش دارن قدرت پول و زرنگی خودشونو به ما نشان می‌دن (۹). هر تعطیلی و آخر هفته‌ای که می‌شه، ما اینجا جولان لاکچری‌بازی داریم (۱۳)».

**تشدید نابرابری‌های اجتماعی:** نابرابری اجتماعی، پیامد تقسیم ناعادلانه منابع و فرصت‌های موجود جامعه است (ویس، ۲۰۰۵: ۷۱۰). مواردی نظیر تفاوت شیوه‌های زندگی، تفاوت حقوق و فرصت‌ها، مغایر بودن ارزش‌ها و نیز فاصله زیاد درآمدهای اقتصادی مابین غریبه‌ها و روستاییان، احساس نابرابری اجتماعی را در بین روستاییان بیش از پیش آشکارتر ساخته است. احساس آزاردهنده نابرابری اجتماعی در درون روستا عوارض خطرناکی را در پی خواهد داشت. شایع‌ترین آن خشم و نارضایتی است که بر پیوندهای اجتماعی به‌شدت اثر می‌گذارد و موجب گسست روابط فردی و جمعی در روستا می‌شود. روستاییان در رویارویی با غریبه‌ها دو نوع نابرابری اجتماعی واقعی و نابرابری اجتماعی ذهنی تجربه می‌کنند. نابرابری اجتماعی واقعی از وجود امکانات و ابزار مادی و رفاهی که غریبه‌ها در روستا به نمایش می‌گذارند، شکل می‌گیرد و نابرابری اجتماعی ذهنی، از تصور و مقایسه‌ای تخیلی که روستاییان از رفتار و سبک زندگی غریبه‌ها دارند، نشئت می‌گیرد. نابرابری اجتماعی منبعث از ذهن و تصور روستاییان، مخرب‌ترین نوع نابرابری و به‌سرعت در حال سرایت به کل جامعه روستایی است. اگر این

احساس تشدید شود، ممکن است روستا عرصه تقابل و کشمکش غریبه‌ها و روستاییان شود؛ چرا که روستاییان به هر چیزی چنگ می‌زنند تا احساس ذهنی نابرابری بین خود و غریبه‌ها را از بین ببرند. اظهارات برخی از روستاییان در این باره این مسئله را تأیید می‌کند:

«اونا با زدن جیب ما الان دارن برای خودشون زندگی می‌کنن و ما رو بدبخت کردن (۳۰).  
اصلاً چنین وضعی قابل تحمل نیست. زمین ما رو مفت خریدن و ما باز همون فقیر همیشگی هستیم (۲۲)».

**فروپاشی اقتصاد رایج روستایی:** حضور غریبه‌ها در روستا موجب بی‌انگیزه‌تر شدن کشاورز به فعالیت‌های کشاورزی است. به عبارت دیگر، در کنار حضور غریبه‌ها در روستا و کم‌شدن اراضی کشاورزی، عواملی نظیر پایین‌آمدن کیفیت زندگی روستاییان، تشدید نابرابری‌های اجتماعی، حمایت‌نکردن نهادهای حاکمیتی از تولیدات روستایی، به‌صرفه‌نبودن فعالیت کشاورزی و دامداری در کنار پرزحمت‌بودن حرفه کشاورزی در مقایسه با سایر مشاغل، چیزی جز کاهش رغبت روستاییان به فعالیت‌های رایج اقتصادی در روستا به‌خصوص در بین جوانان روستایی در پی نخواهد داشت. هجوم غریبه‌ها به روستاها و بلعیدن باغ‌ها و مزارع کشاورزی به‌منظور ساخت ویلا، تنها واقعیت تلخ در روستاهای شمال ایران نیست، بلکه واقعیت تلخ‌تری که این پدیده به‌همراه دارد، بی‌میلی جوانان روستایی به ادامه فعالیت اقتصادی اجداد و نیاکان خویش در روستا است. صحبت‌های یکی از جوانان روستایی مصاحبه‌شونده بیان‌کننده این موضوع است: «برای چی باید کار کشاورزی کنیم وقتی هیچ حمایتی از کشاورز نمی‌شه؟! (۵) اگه ما همه راه پدر و مادرمون رو ادامه بدیم، آخرش باید مثل اونا سراپدار این تهرونی‌ها و اصفهانی‌ها باشیم (۳۱)».

**افزایش میل به مهاجرت در جوانان:** حضور غریبه‌ها در روستا، نتیجه‌ای جز افزایش میل به گریز از روستا در پی نخواهد داشت. البته در بین روستاییان کسانی که بیش از همه میل به مهاجرت از روستا را دارند، جوانان هستند. جوانان روستایی با نفوذ فرهنگ شهری، تعالی خود را در مکانی غیر از روستا (شهر) جست‌وجو می‌کنند. تصور ماندن در روستا، در آن‌ها ذره‌ای انگیزه پیشرفت ایجاد نمی‌کند. درواقع جوانان روستایی اصرار بر زنده‌ماندن فرهنگ روستایی یا اقتصاد روستایی را دارای ارزش و اعتبار نمی‌دانند. وقتی فرهنگ روستا در حال فراموشی و اضمحلال قرار می‌گیرد، بسیار مشهود است که زندگی در روستا دیگر توجیه‌پذیر نیست. در این

راستا، صحبت‌های یکی از جوانان روستایی مصاحبه‌شونده بر این موضوع دلالت دارد: «دیگه چیزی باقی نمونه که تو روستا باشیم. نه کشاورزی می‌صرفه و نه دامداری (۲۲). قدیم شرایط فرق می‌کرد. الان توروستاموندن فقط فقر و بدبختی می‌آره (۱۶). برای اینکه پیشرفت کنیم، باید از روستا بریم؛ وگرنه آینده‌مون مثل پدر و مادرامون یا پدبزرگا یا مادربزرگامون می‌شه (۲۹)». مهاجرت جوانان روستایی هرچند دلایل متعددی دارد، با حضور غریبه‌ها انگیزه مهاجرت در آنان بسیار بیشتر شده است. جوان روستایی در روستا برای خود فرصت و آینده روشنی متصور نیست. پس به این درک می‌رسد که اگر روستا را ترک نکند، قطعاً بازنده بزرگی خواهد بود (کونل و همکاران، ۱۹۷۶: ۲۲۸). پس برای رسیدن به پایگاه جدید و قوی اجتماعی و اقتصادی، به شهر مهاجرت می‌کند، اما باید گفت که مهاجرت بی‌رویه، جدا از تضعیف حجم تولیدات کشاورزی، به محو کامل روستا منجر خواهد شد؛ زیرا دیگر نسلی باقی نمی‌ماند تا زندگی روستایی اصیل را رونق بخشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

طی سالیان اخیر حضور غیربومیان در روستاها به‌خصوص در نواحی روستایی شمال کشور و رشد ساخت ویلاهای مجلل در اراضی روستایی، ساختار آن جامعه را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. روستاییان به‌دلیل شیوع ویلاسازی توسط غریبه‌ها و زندگی موقتی آنان در روستا، اکنون به‌روشنی تجربه ارتباطی متفاوتی را با آنان احساس می‌کنند. جان‌مایه این احساس عمدتاً نتایج ناخوشایندی برای ساکنان محلی دارد. این احساس می‌تواند ابعاد و اشکال مختلفی به خود بگیرد و در قالب احساسات مثبت یا احساسات منفی در نوسان باشد (توتیس، ۱۹۸۹: ۳۱۷). کاملاً روشن است وقتی احساس مثبت در فرد یا بستر جامعه تجربه شود، پیامدهای مطلوبی برای فرد و جامعه به‌دنبال خواهد داشت و برعکس، اگر احساسات منفی از تعامل اجتماعی در بین فرد و جامعه ادراک شود، پیامدهای ناخوشایندی بر روح جامعه و ذهن افراد استیلا پیدا خواهد کرد. یافته‌های این مطالعه نشان داد بومیان روستاهایی که ویلاهای غیربومی زیادی دارند، از حضور صاحبان آنها احساس ناخوشایندی ندارند. آنها غریبه‌ها را افرادی مصرفی، راحت‌طلب، تنبل، خوشگذران، فردگرا و منفعت‌طلب می‌دانند که نظم جامعه روستایی را بر هم زده‌اند و اساساً حفظ منافع روستا برای آنان اهمیت ندارد.

احساسات مشارکت‌کنندگان این مطالعه بیانگر آن است که بسیاری از رفتارهای غریبه‌ها در روستا سبب شکل‌گیری یا برانگیخته‌شدن اشکال مختلفی از احساسات ناخوشایند نظیر تضاد، تبعیض، خشم، حقارت، پشیمانی و نارضایتی در بین ساکنان محلی در روستایان شده است. پیامدهایی نظیر دوگانه‌شدن الگوی زیست روستایی، نمایش‌های مالکانه غریبه‌ها، تشدید نابرابری‌های اجتماعی، فروپاشی اقتصاد رایج روستایی و افزایش میل به مهاجرت در جوانان را در روستا دربرداشته که به‌وضوح ترغیب‌کننده آن‌ها به ابراز احساسات ناخوشایند شده است. این تحقیق نشان داد احساس‌های ناخوشایندی که بومیان از غریبه‌ها بیان می‌کنند، مفهومی اجتماعی است که به باور شات در درون کنش‌های متقابل اجتماعی افراد قابل‌تعریف و تفسیر و کم‌کم این شکل از روابط اجتماعی غیرسازنده در بین آن‌ها در حال قوام‌یافتن است. روابط منفی تحکم‌یافته بین غریبه‌ها و بومیان به تعبیر ترنر، موجب برانگیختگی احساسات ناخوشایند در بین روستایان شده است؛ به‌گونه‌ای که سبب شده روابط این دو قشر در روستا با هم سازگار نباشند و به‌نوعی تضاد بنیادین در بین آن‌ها در تقویت شود. دلیل رشد این احساس‌های ناخوشایند به‌زعم کمپر، وجود ساختار نابرابر قدرت و منزلت بین آن‌ها است که عامل شکل‌گیری ادراک‌های متعارض در بین آنان می‌شود. تجربه ادراک نامطلوب کنش‌های فی‌مابین غریبه و بومیان بنا به اعتقاد کالینز، انرژی احساسی متفاوتی را هم در آن‌ها به‌وجود می‌آورد و با ایجاد هویت جمعی جداگانه‌ای نوعی زیست دوگانه را در بطن روستا تحکم می‌بخشد. این زیست دوگانه استعداد تقابل بین آن‌ها را قوت می‌بخشد؛ به‌گونه‌ای که مطابق با دیدگاه باور هیس، نمایش سبک زندگی خاص غریبه‌ها در روستا نوعی تعارض بین آن‌ها و سبک زندگی سنتی روستا که ریشه در هنجارهای بنیادین و ارزش‌های فرهنگی روستایی دارد، به‌وجود می‌آورد که این امر موجب واکنش‌های عاطفی مقطعی و احتمالاً پایدار روستایان در برابر غریبه‌ها خواهد شد که برون‌داد آن چیزی جز اخلال در نظم اجتماعی روستا نخواهد بود.

باید تأکید داشت که تغییر کاربری اراضی روستایی و ساخت ویلاها در آن، بدون هیچ‌گونه مدیریت جامع در روستاها در حال رشد است و این امر کارکردهای مختلف جامعه روستایی را به‌شدت تغییر داده است. وجود روستاها در حیات اجتماعی هر جامعه ضروری است. پس برای افزایش تعلق روستایان به روستاهای خویش باید اقداماتی صورت گیرد. افزایش انگیزه تعلق

روستاییان به موطن خویش با رونق معیشت، توسعه زیرساخت‌ها و افزایش امکانات رفاهی و خدماتی میسر خواهد بود (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۴) و این امر با در نظر داشتن راهبرد توسعه همه‌جانبه تحقق خواهد یافت. توانایی دستیابی به این نوع توسعه هنگامی پدیدار می‌شود که دولت و جامعه با یکدیگر کار کنند؛ نه اینکه هر کدام در دو جهت متفاوت با هم سیر کنند. (ازکیا و دیباجی‌فروشانی، ۱۳۹۵: ۱۲۲)

### پیشنهادها

- به قانون‌گذاران پیشنهاد می‌شود به فوریت تدوین قانون شفاف و جامع، اراضی روستایی را در اولویت قرار دهند تا هرگونه سوءاستفاده یا دورزدن قانون به وسیله اشخاص و نهادهای مختلف در این زمینه به کلی از بین رود.
- سیاست‌گذاران باید حمایت از تولید کشاورزی در روستا را به‌عنوان یک اصل در نظر داشته باشند؛ چرا که مهم‌ترین عامل بازدارنده در فروش زمین‌های مرغوب و حاصلخیز روستایی، رونق کشاورزی و درآمدهای حاصل از آن برای روستایی است.
- افزایش امکانات و رفاه در زندگی روستاییان تا حدود زیادی از مهاجرت و کاهش انگیزه آن‌ها برای فروش زمین جلوگیری می‌کند. بدین شکل توسعه همه‌جانبه روستایی با در نظر گرفتن حمایت از جوانان روستایی می‌تواند انگیزه حضور در روستا و تعلق به زمین و خاک را در بین آن‌ها بیشتر از قبل کند.
- ممانعت از فروش زمین و تغییر کاربری آن در همه روستاها راهکار متداول ندارد؛ بنابراین با شناخت کامل و توجه به ظرفیت‌ها و نیز تفاوت‌های جوامع روستایی مختلف باید برنامه‌های متناسب و کارا در این زمینه تدوین کرد.
- با توجه به تقاضای زیاد شهرنشینان به‌منظور استفاده از خانه‌های دوم در ایام تعطیل و آخر هفته، اجازه ساخت بناهای مسکونی به غیربومیان در روستاهایی داده می‌شود که امکان فعالیت کشاورزی و دامداری در آن‌ها چندان فراهم نیست یا مقرون‌به‌صرفه نیست تا به این صورت از رشد قارچ‌گونه آن در همه مناطق روستایی شمال ایران جلوگیری شود.

## منابع

- آمار، تیمور (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان با رویکرد عدالت مکانی-فضایی (مطالعه موردی: دهستان دیلمان شهرستان سیاهکل)، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره دوم، شماره ۱، ۱۷۱-۱۹۲.
- ازکیا، مصطفی و دیباجی‌فروشانی، شکوه (۱۳۹۵)، نقد برنامه‌های توسعه روستایی در ایران، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره پنجم، شماره ۱: ۱۰۳-۱۲۵.
- اشتری مهرجردی، اباذر و همکاران (۱۳۹۵)، بررسی جامعه‌شناختی خانه‌های دوم در ایران و بررسی پیامدهای آن (مطالعه موردی شهرستان فراهان)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره هشتم، شماره ۲۵: ۴۷-۷۵.
- اصغری‌مقدم، محمدعلی، حکیمی‌راد، الهام و رضازاده، طاهره (۱۳۸۷)، اعتباریابی مقدماتی نسخه تجدیدنظرشده پرسشنامه حالت صفت بیان خشم در جمعیت دانشجویی. *دانشور رفتار*، دوره پانزدهم، شماره ۲۸: ۲۱-۳۵.
- حاتمی‌نژاد، حسین، بیرانوند، محمد و حاتمی، احمد (۱۳۹۸)، ارزیابی و تحلیل اثرات خانه‌های دوم گردشگری بر مکان‌های روستایی (نمونه موردی: روستاهای قلعه حاج عبدالله)، *کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش‌ازدور در برنامه‌ریزی*، دوره دهم، شماره ۱: ۱۰-۱۹.
- خوش‌فر، غلامرضا، عبدالله‌پور، مریم و کریم‌زاده، سارا (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر گردشگری خانه‌های دوم بر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: روستاهای لیره سر و سیاورز شهرستان تنکابن)، *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، دوره اول، شماره ۲: ۱۳۱-۱۵۲.
- ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی احساسات، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیستم، شماره ۲: ۳۵-۶۴.
- شریف‌زاده، محمد، عبدالله‌زاده، غلامحسین، اژدرپور، علیرضا و شریفی، مهنوش (۱۳۹۵)، پدیدارشناسی برداشت روستاییان از تعلق مکانی در شهرستان زابل، *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، دوره هشتم، شماره ۱: ۱۱۳-۱۳۸.
- علی‌پور، حسین، براری، معصومه و سبحانی، نوبخت (۱۳۹۲)، بازتاب گسترش خانه‌های دوم در فضاهای پیراشهری استان مازندران، *توسعه فضاهای پیراشهری*، دوره اول، شماره ۲: ۴۷-۵۸.
- عنابستانی، علی‌اکبر و صاحبکار، ناهید (۱۳۹۲)، تحلیل مقایسه‌ای آثار گردشگری خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی از دیدگاه مالکان و اهالی دهستان شیرین‌دره شهرستان قوچان، *گردشگری و چشم‌انداز آینده*، دوره سوم، شماره ۴: ۷-۲۵.

قدمی، مصطفی، عقیلی‌زاده فیروزجانی، ناصر و بردی آنامرادنژاد، رحیم (1389)، بررسی نقش گردشگری در تغییرات کاربری اراضی مقصد، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، دوره اول، شماره ۱: ۴۲-۲۱.

قماش‌پسند، محمدتقی، مشیری، سیدرحیم، کردوانی، پرویز و مهدوی، مسعود (۱۳۹۶)، تحلیل نقش خانه‌های دوم در تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستاهای بخش مرکزی لاهیجان، نگرش نو در *جغرافیای انسانی*، دوره نهم، شماره ۴: ۱-۱۳.

کیانپور، مسعود و آقابابایی، احسان (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی احساسات*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.  
گلین‌مقدم، خدیجه (۱۳۸۸)، روند شکل‌گیری و گسترش خانه‌های دوم در حوزه‌های جنگلی-کوهستانی شمال کشور طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵، *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، دوره چهارم، شماره ۹: ۱۹۱-۲۱۰.

مهدوی حاجیلویی، مسعود، قدیری معصوم، مجتبی و سنایی، علی (۱۳۸۷)، نقش و تأثیر خانه‌های دوم بر ساختار اقتصادی و اجتماعی ناحیه کلاردشت، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره چهارم، شماره ۶۵: ۱۹-۳۱.

میرکتولی، جعفر، وصال، زینب، آقاجانی، آرام و خداداد، مهدی (۱۳۹۴)، تحلیل اهداف ساخت خانه‌های دوم در نواحی روستایی و تعیین اثرات آن در مناسبات شهر روستا (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان گرگان)، *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، دوره چهارم، شماره ۲: ۱-۱۰.

Bewket, W., & Stroosnijder, L. (2003). Effects of agro-ecological land use succession on soil properties in Chemoga watershed, blue nil basin, Ethiopia. *Geoderma*, 111(1), 85-95.

Connell J. et al. (1976). *Migration From Rural Areas, The Evidence From Village Studies*. Delhi: Oxford University Press.

Farstad, M., & Rye, J. F. (2013). Second home owners, locals and their perspectives on rural development. *Journal of Rural Studies*, 30, 41-51.

Gall, M., Borg, W., & Gall, J. (2003). *Educational Research* (6<sup>th</sup> ed.). New York: Longman

Hall, C. M. (2005). *Tourism: Rethinking the social science of mobility*. Pearson Education.

Hoogendoorn, G., Visser, G., & Marais, L. (2009). Changing countryside, changing villages: Second homes in Rhodes, South Africa. *South African Geographical Journal*, 91(2), 75-83.

Johnson, R. B. (1997). Examining the validity structure of qualitative research. *Education*, 118(2), 282-292.

Kondo, M. C., Rivera, R., & Rullman Jr, S. (2012). Protecting the idyll but not the environment: Second homes, amenity migration and rural exclusion in Washington State. *Landscape and Urban Planning*, 106(2), 174-182.

- Long, H. L., & Li, X. B. (2002). Analysis of regional land use transition: a case study in the Transect of the Yangtse river. *Journal of Natural Resources*, 17(2), 144-149.
- Marsden, T. (1999). Rural futures: the consumption countryside and its regulation. *Sociologia ruralis*, 39(4), 501-526.
- Mathieson, A., & Wall, G. (1982). *Tourism: Economic, Physical and Social Impact*. London: Longman.
- Mcgehee, G., Anderek, N., & Kathleen, L. (2004). Factors predicting rural residents' support of tourism. *Journal of Travel Research*, 43(2), 131-140.
- Overvåg, K., & Berg, N. G. (2011). Second homes, rurality and contested space in Eastern Norway. *Tourism Geographies*, 13(3), 417-442.
- Rye, J. F., & Gunnerud B. N. (2011). The second home phenomenon and Norwegian rurality. *Norsk Geografisk Tidsskrift-Norwegian Journal of Geography*, 65(3), 126-136.
- Rye, J. F. (2011). Conflicts and contestations. Rural populations' perspectives on the secondhomes phenomenon. *Journal of Rural Studies*, 27(3), 263-274.
- Second homes in Rhodes, South Africa. *South African Geographical Journal*, 91(2), 75-83.
- Sharpley, R. (2002). Rural tourism and the challenge of tourism diversification: the case of Cyprus. *Tourism Management*, 23(3), 233-244.
- Shott, S. (1979). Emotion and Social Life: A Symbolic Interactionist Analysis. *American Journal of Sociology*, 84(6), 1317-1334.
- Thoits, P. A. (1989). The Sociology of Emotions. *Annual Review of Sociology*, 15, 317-342.
- Turner, Jonathan & Jane, Stets. (2005). *The Sociology of Emotions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vepsalainen, M., & Pitkanen., K. (2010). Second home countryside. Representations of the rural in Finnish popular discourses. *Journal of Rural Studies*, 26(1), 194-204.
- Weiss, A. (2005). The Transnationalization of social Inequality: conceptualizing social position on world scale. *Current Sociology*, 53(4), 707-728.
- William, A. M., & Hall, C. M. (2000). Tourism and Migration: New relationships between production and consumption. *Tourism Geographies*, 2(1), 5-27.
- Wojnar, D., & Swanson, K. M. (2007). Phenomenology: an exploration. *Journal of Holistic Nursing*, 25(3), 172-180.